

The Relationship between Theology and Architecture; A Explaining the Architecture of the Ancient Temples of Harran Sabians Based on Historical Texts

Vahideh Rahimi-mehr*

Abstract

Throughout human history, godly thoughts and beliefs exist as a part of culture and have caused the appearance of religious beliefs. In the meantime, architecture as a platform for these cultures has created special religious buildings. One of the religious buildings whose physical structure was influenced by religion is a place of worship. In the meantime, the Sabeian temples are one of the very strange examples that no traces of their original buildings remain, but they are mentioned in historical texts as mysterious buildings that have not been investigated separately in research. Therefore, the purpose of this qualitative research is to explain the typology and the roots of diversity in the physical structure of the structures of this ritual. This research intends to examine the religious foundations of the Harran Sabian faith in the architecture of temples from the examination of historical evidence and texts and to explain the structure of the buildings and the relationship between the structure and the hidden meaning of the architecture. The results show that different spatial elements are used in religious architecture to express the beliefs of religions, and an element such as a symbol and a sign is used in the form of an artistic work as a bridge to convey and instill religious concepts.

Keywords: Temple, Haranians, Sabians, Architecture, theology, Cosmology

* Assistant professor, Department of Architecture, Faculty of Art, Architecture & Urbanism, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran, rahimimehr@iauk.ac.ir

Date received: 2022/12/20, Date of acceptance: 2023/02/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

ارتباط الهیات و معماری؛ تبیین معماری معابد باستانی صابئین حرانی براساس متون تاریخی

وحیده رحیمی مهر*

چکیده

در طول تاریخ بشر، اندیشه و باورهای خداپرستانه به عنوان بخشی از فرهنگ وجود داشته است و موجب ظهور جلوه‌های مختلفی از باورهای دینی گردیده است. در این میان، معماری به عنوان بستری برای این فرهنگ‌ها، باعث خلق بناهای مذهبی ویژه‌ای شده است. یکی از بناهای مذهبی که ساختار کالبدی آن متأثر از دین بوده، پرستشگاه است. در این بین معابد صابئین از نمونه‌هایی بسیار عجیبی است که از ابنیه اولیه آنها آثاری برجای نمانده ولی در متون تاریخی از آنها به عنوان ساختمان‌های اسرارآمیز نام برده شده که تاکنون در تحقیقی به صورت مجزا مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین هدف از این تحقیق کیفی، تبیین گونه‌شناسی و ریشه‌های تنوع در ساختار کالبدی هیاکل این آیین است. این پژوهش در نظر دارد از بررسی شواهد و متون تاریخی به بررسی مبانی اعتقادی آیین صابئین حرانی متأثر در معماری معابد بپردازد و ساختار هیاکل و ارتباط ساختار با معنای پنهان معماری را تبیین نماید. نتایج نشان می‌دهد که در معماری دینی برای بیان باورهای ادیان از عناصر فضایی مختلف استفاده می‌شود و عنصری چون نماد و نشانه در قالب اثری هنری به عنوان پلی برای انتقال و القای مفاهیم اعتقادی به کار گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معبد، حرانیان، صابئین، معماری، الهیات، کیهان‌شناسی

* استادیار معماری، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران،
rahimimehr@iauk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

اعتقاد به مذهب، اندیشه الهی و اداب و رسوم به عنوان بخشی از فرهنگ معنوی از گذشته بسیار دور در نهاد بشر وجود داشته و هنر وسیله‌ای برای نمایش این اعتقادات بشری بوده است. به عبارتی هنر امری انتزاعی یا اندیشه‌ای مجرد برای نمایش عالم ملکوت در عالم ملک است (الیاده، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵) و معماری به عنوان هنری ناب، پدیده‌ای فرهنگی است (حاجی قاسمی، ۱۳۹۲، ص ۴۱) که در بستر فرهنگ و بینش مردمان هر دوره پدیدار می‌گردد. به تعبیری دیگر میوه درخت فرهنگ، معماری است و شگل‌گیری معماری از فرهنگ معمار و مخاطبین معماری سرچشمه می‌گیرد (بیگ زاده شهرکی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹۸).

در فرهنگ دینی، معماری مقدس، مبتنی بر معیارهایی جهان بینانه است که محتوای خود را از نگرش مابعدالطبیعی انسان اتخاذ می‌کند (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ص ۵۴۲؛ بورکهارت، ۱۳۶۹، ص ۱۰)، به گونه‌ای که دین به عنوان یک اعتقاد بشری و هنر دینی به عنوان ابزار تجلی و بازیافتن این اعتقادات، به معماری دینی و معناگرا یعنی دارای ذات رمزی منجر می‌گردد. بنابراین معماری دینی امر ذاتی وجود انسان است.

برخلاف هنر غیر دینی که دنیوی و عرفی است (اعوانی، ۱۳۷۵: ص ۳۴۴)، دو موضوع معماری دینی یا مقدس را از غیر دینی متمایز می‌کند: ۱- نیت برای قرب الهی و ۲- سعی در غلبه روحانیت یا تجلی صفات باری تعالی در حد کمال در اثر هنری (یل‌درمیان، ۱۳۸۲: ص ۵۹)، یعنی اگر منبع تغذیه هنر متصل به خدا باشد، آن هنر، هنری دینی است (معماریان، ۱۳۹۲: ص ۴۳۸) که در مخاطب قداست و حالتی روحانی ایجاد می‌نماید، یکی از انواع معماری مقدس، بناهای مذهبی مربوط به ادیان و تمدن‌های مختلف است.

از فرهنگ، ادیان و تمدن‌های مختلف بناهای بسیاری به جای مانده و این موضوع سبب شده تا در پژوهش‌هایی، ارتباط فرهنگ، دین، معماری و تأثیر ادیان مختلف بر معماری بیان شود (زندیه، ۱۳۹۸: ۱۸۷؛ ذوالفقارزاده، ۱۳۹۹: ۴۷).

در ادیان و مذاهب گوناگون معنویت جنبه‌های مختلف دارد. به طوری که ایجاد مکانی برای عبادت یکی از مهمترین زمینه‌های تجلی هنر دینی است و اماکن نیایشی تأثیرگذارترین و پایدارترین عمارت‌هایی هستند که به دست بشر ساخته می‌شدند چنانچه ساختار کالبدی بناهای نیایشی یادآور آیین‌ها بوده است و همین موضوع سبب شده که تنوع ادیان به تنوع معماری بناهای مقدس، منتهی شده شود. آنچه در بناهای پرستشگاهی و معماری‌های به اصطلاح مقدس مورد توجه است بعد پنهان در معماری آنها است. به طوری که معماران اشکال هندسی

و ابعاد کیهانی را شرح و در ساخت معماری مقدس خود تجلی می‌دادند (بلخاری، ۱۳۸۴: ۵). برای القای این معانی پنهان، نقوش، اشکال و رنگ‌ها در معماری از رموزی هستند که مخاطب بنا با حضورش در فضا به درک شهودی آن معنا می‌رسد (ندیمی، ۱۳۸۶: ۸۲). بنابراین پرستشگاه‌ها به طور مستقیم ارتباط معنویت و معماری را نشان می‌دهد. یکی از این پرستشگاه‌ها، معابد یا هیاکل آیین صابئین است که آیین قدیم امت‌های اصلی (هفت امت کلدانی، فارسی، یونانی، قبطی، ترکی، هندی و چینی) بوده‌است (ابن عبری، ۱۹۹۲: م: ۵۷). در تاریخ از صابئین به عنوان قدیمی‌ترین امت جهان نام برده شده است (ابن وردی، ۱۹۶۹: ج ۹۳/۱؛ ابن حزم ظاهری، ۱۴۱۶ ش: ج ۱/ ۸۸-۸۹). موسس آیین صابئین شخصی هندی به نام بوداسف بوده که در هند ظهور کرد و برخی از هندیان به آیین صابئین گرویدند. آنها به تعظیم کواکب و مجسمه‌هایی که نماینده کواکب بودند پرداخته و بت‌ها را به رنگ آن سیارات در می‌آوردند (صاعد اندولسی، ۱۹۱۲: ۱۶۶). زمان فتح شهر ملتان هند در سال ۸۹ هجری توسط مسلمانان، خانه‌ای به طول ۱۰ ذراع، عرض ۸ ذراع و بلندی ۱۲ ذراع پر از بت‌هایی گوناگون مشاهده کردند که از روزنه‌های سقف آن، زر و گوهر در آن ریخته می‌شد. به همین جهت شهر ملتان، فرج الذهب (روزنه طلا) نام گرفت (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۶). بعد از اینکه بوداسف به ایران آمد، ایرانیان نیز به آیین صابئین درآمدند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۱؛ مسعودی، ۱۳۸۵: ق: ۱۰۱) و کواکب و کلیات عناصر را تا قبل از زرتشت می‌پرستیدند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۶۳) یونانیان و رومیان نیز سیارات هفتگانه را عبادت می‌کردند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱/ ۲۳۱؛ قفطی، تاریخ الحکما، ۴۸). و بعدا به مسحیت گرویدند. در دومین سلسله یولیانس سومین پادشاه، زمانی که به پادشاهی رسید از نصارا برگشت، کلیساها را خراب و بت‌هایی به عنوان مجسمه جوهرهای علوی و اجسام آسمانی ساخت (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۱۵). اهالی مصر قدیم هم صائبی مذهب بودند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ق: ج ۱/ ۶۴) و هیاکل و مجسمه‌هایی می‌ساختند که نماینده خدایان بودند (صاعد اندولسی، ۱۹۱۲: ۱۹۳) و می‌پنداشتند، اهرام معروف مصر مقبره شیث پیامبر، هرمس (ادریس پیامبر) و صابی فرزند هرمس‌اند و به سوی اهرم حج می‌گذاشتند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۴۸). امت کلدانی که ساکن بین‌النهرین بودند نیز همان صابئین و حرانیان بودند (شکل ۱) (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۳۸). آنها با ساختن هیکل‌ها و آیین‌های ویژه، کارهایی شگفت‌انگیز همچون طلسمات، جادو و کهنات و ستاره شناسی انجام می‌دادند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۷؛ زرین کوب، ۱۳۶۹: ۵۲). در تفسیرالمیزان به وجود معبد‌های ستارگان بسیار بابل اشاره شده که در آنها مجسمه‌هایی نصب شده بوده است (طباطبایی، ۱۴۰۳: ج ۷/ ۲۳۶). چنینان نیز

به آیین صابئین بودند. صاین بن عامور بن یافث بن نوح (ع) که چین به نام او "صین" نام گرفت، مجسمه‌ای طلایی از پدرش بر تختی از طلا ساخت و خود و قومش به عبادت آن می‌پرداختند (دمیری، ۱۴۲۴: ج ۲ / ۳۷۱).



شکل ۱: نقش برجسته نبونعید آخرین پادشاه بابل در حال نیایش ماه، خورشید و زهره، ماخذ:

[/https://sailingstonetravel.com/harran-guide](https://sailingstonetravel.com/harran-guide)

تاریخ گواه از وجود معابدی برای آیین صابئین دارد. هر چند پژوهش‌هایی در خصوص بعد اعتقادی و علمی صابئین و نقش آنها در پیشرفت علم و تاثیر آنها در تمدن اسلامی صورت گرفته (شیرالی، ۱۳۹۲، الکک، ۱۳۴۲: ۳۵۷؛ افشاری صدر و همکاران، ۱۳۹۹:)، اما تاکنون به معماری نیایشگاه آنها به طور مستقل پرداخته نشده است. از آنجایی که یکی از جالبترین مسائل فرهنگی صابئین، دین آنها و یکی از مهم‌ترین ویژگی دین آنها، ساخت هیکل‌هایی عجیب است که در عجایب‌نامه‌ها و کتب تاریخی از آنها به عنوان مکانی مرموز یاد شده است، این پژوهش سعی دارد علاوه بر گونه‌شناسی معماری این معابد، با توجه به بعد پنهان معماری، به تاثیر دین و باورهای دینی در معابد و شاخصه‌های تنوع در ساختار این بناهای آیینی بپردازد.

۲. حرانیان، عقاید و پرستشگاه

حرانیان معتقدند که عناصر اربعه اساس جهان را تشکیل می‌دهند و بعد از آن نفوس هستند و سوم حرکت عالم آسمانی برای عناصر و آنچه از این عناصر به وجود می‌آید. حرانیان نفوس را دو دسته می‌دانند: نفوس الهی مانند فرشتگان و شیاطین و نفوسی که متعلق به هیاکل کواکب اند و می‌تواند تصرفاتی در جهان خاکی انجام دهند (اخوان اصفاء، ۱۴۰۵ ق، ۲۹۶، ۲۹۷) آنها هرمس

را مربی روحانی و پیغمبر خویش می‌دانستند و ظاهراً برای تطبیق خود به انبیا یا ادیان مذکور در قرآن، او را با ادریس نبی تطبیق و در واقع نوعی دیانت گنوسی یونانی ممزوج با برخی عناصر آیین هلنیستی مصر در عهد بطالسه و برخی تعالیم نوافلاطونی جلوه داده‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۲۶۸) و به واسطه‌هایی بین خدا و عالم معتقد بودند (بن عبدالله، ۱۴۰۷: ۱۷۴) براین اساس به افلاک^۱ و ستارگان اهمیت می‌دادند. آنها ابتدا فرشته‌پرست بودند و در ادامه به ستاره‌شناسی روی آوردند. آنها دو گروه بودند گروهی کواکب هفتگانه و گروهی ثابتات را پرستش می‌کردند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱ / ۲۳۱) و به اینکه ستارگان هفت‌گانه و برج‌های دوازده‌گانه تدبیر جهان را به عهده دارند معتقد بودند (حمیری، ۱۹۴۸: ۱۴۲).

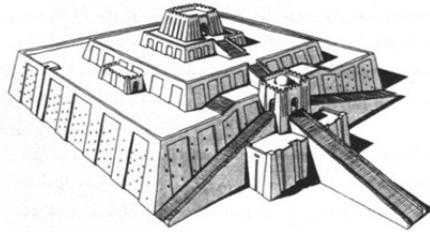
تعداد زیادی از صابیئین در شهر حران در شمال بین‌النهرین باستان ساکن^۲ بودند (بی‌نا، ۱۳۶۲: ۹۱؛ رستمی، ۱۳۹۸: ۱۸۹) که رومیان آن را هالینوپولس (hellenopolis) و کارای می‌نامیدند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۶۹) گروهی معتقداند اولین شهر احداث شده بعد از طوفان نوح این شهر بوده‌است (الحموی، ۱۹۷۹: ۲۳۵؛ لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۱۱). قدما این شهر را در اقلیم چهارم می‌دادند (بروسوی ۱۳۹۴: ۲۵۲) و قلعه‌ای سنگی به نام نجم است که سام بن نوح ساخته است (مستوفی قزوینی، ۱۳۹۸: ۱۰۳). هرچند آنها ایزد خورشید یا شمش را نیز پرستش می‌کردند اما مهم‌ترین باور حرانیان مربوط به سین یا ایزد ماه و پرستشگاه او بوده است (Lewy, 1962: 139) و همواره به ایزد سین و معبدش احوّل‌حول مشهور بودند (Smith, 1924: 339). معابد حرانی که به هیاکل آسمانی یا علوی مشهور بوده‌اند تا زمان مسعودی نویسنده مروج الذهب یعنی ۳۳۲ ق که به این شهر سفر کرده، موجود بوده‌اند. این شهر به سبب وجود معابد برای خدایان زمینی به شهر کافران مشهور بوده‌است (شیرالی، ۱۳۹۴: ۱۹). چنانچه در تاریخ به بت‌خانه‌های هفده‌گانه در این شهر اشاره شده است (قلقشندی، ۱۳۸۳: ۳۱۹).

حرانیان به مبادی پنجگانه جهان شامل هیولی، زمان، خلا، نفس و خدا معتقد بودند (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۱۲۸) خدا و نفس زنده هستند، هیولی منفعل است و دهر و خلا نه زنده و نه منفعل‌اند (یعقوب جعفری، ۱۳۷۴: ۵۹ / داود الهامی، ۱۳۷۹: ۱۳۵). برخی این عناصر پنجگانه را آسمان، زمین، خورشید، ماه و ستارگان معرفی کرده‌اند (الحمد، ۱۹۹۸: ۳۵). حرانیان ستارگان را واسطه تقرب به خدا می‌دانستند (فخر رازی، بی‌تا: ج ۱۰۵/۳) همچنین حرانیان مبدا اشیا را تاریکی و روشنایی می‌دانستند (مقدسی، ۱۸۹۹: ج ۱/۱۴۲) که نور شامل نور ماه، خورشید و چراغ بود (ابن تیمیه، ۱۴۱۲: ج ۳۱۲/۶). صابئین به سبب پرستش اجرام آسمانی از نجوم و ریاضی بهره می‌گرفتند و دانشمندان برجسته‌ای داشتند (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۸، ابن

عربی، ۱۹۹۲: ۱۵۳ و غربال، ۱۹۶۵: ۱۱۱۲). براین اساس روزهای هفته را بین سیارات هفت‌گانه تقسیم می‌کردند (کشوری، ۱۳۸۵: ۱۸) و وقت‌های خاص براساس سعد و نحس ستارگان^۳ در ایام و روزهای مخصوص به معابد رفته و مراسمات خاص را به جا می‌آوردند و معتقد به قربانی کردن برای کواکب بودند و هر روز هفته برای یکی از کواکب در معابد قربانی انجام میدادند. روز شنبه برای زحل، یکشنبه برای خورشید، دوشنبه برای ماه، سه‌شنبه برای مریخ، چهارشنبه برای عطارد، پنجشنبه برای مشتری و جمعه برای زهره (ابن ندیم، بی تا: ۳۹۵). علاوه بر قربانی کردن یکی از مناسک دیگر حرانیان انتخاب شغل و آموزش آن توسط کاهنان بوده‌است. به گونه‌ای که وقتی فرزند به سن رشد می‌رسید با یک قربانی همراه پدرش وارد معبد می‌شد و یکی از سنگ‌هایی که در معبد وجود داشته و روی هر یک نام یکی از حرفه و مشاغل بوده است را انتخاب می‌کرد. به این صورت شغل آینده اش را انتخاب و برای آموزش به کاهن معبد سپرده می‌شد (حمیری، ۱۹۴۸: ۱۹۱). این معابد دارای ویژگی‌هایی بودند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳. معماری معابد حرانیان

در نظر حرانیان مهم‌ترین روحانیات ستارگان هفت‌گانه بود که در میان آن‌ها ماه و خورشید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، چنانچه در بین‌النهرین دو مرکز ماه‌پرستی، یکی اور در بین‌النهرین سفلا (شکل ۳ و ۲)، و دیگری حران در بین‌النهرین علیا بود (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ج ۱/ ۱۴۱؛ Postgate, 1975: 123-124) و حدود سه هزار و ۲۰۰ سال پیش از میلاد در بابل معبدی به نام اله شمس و معبد دیگری به نام اله قمر بنا شده بوده است که در سنگ‌های کشف شده، به همین نام آمده‌اند و تاریخ نوشتن این سنگ‌ها نزدیک به زمان حضرت ابراهیم است (طباطبایی، ج ۷، ۲۳۶) این معابد چندین بار در زمان پادشاهان بابلی مانند آشوربانی پال و نبونعید مورد مرمت قرار گرفته بوده‌اند (Gadd, 2013: 37). اکنون تنها معبد بابل باقی مانده معبد اور است و از معابد قدیم حران آثاری مشخص به جای نمانده است.



شکل ۳. مدل بازسازی شده زیگورات اور، ماخذ:
<https://www.thinglink.com/scene/961984656213803011>

شکل ۲ بقایای معبد اور، ماخذ:
https://madainproject.com/great_ziggurat_%28ur%29

از نظر صابئین شهر حران نیز منسوب به ماه بود (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۴۴) و در آن قلعه‌ای مدور به عنوان هیکل ماه بوده است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۰۱). صابیان علت ساخت هیکل برای ستارگان را نسبت اجسام روحانی به هیکل ساخته شده با نسبت روح به جسد می‌دانستند و هیاکل را ارباب و آباء می‌خواندند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۷/۲). چون در بعضی اوقات شبانه‌روز به دلیل تغییرات جوی اجرام آسمانی را مشاهده نمی‌کردند به دستور یکی از حکما به تعداد ستارگان معروف بت و معبد جداگانه بنا نمودند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۸۷). در کنار این گروه که فقط به پرستش بت‌های شبیه ستارگان می‌پرداختند و تنها قصد تقرب به خدا داشتند، گروهی بت‌پرست بودند که مجسمه‌های خدایان انواع و علت نخستین، عقل و نفس و... را پرستش می‌کردند و قصد تقرب نداشتند (رستمی، ۱۳۹۸: ۷۱). معابد این دو گروه با یکدیگر تفاوت داشتند و در شهر حران هر دو نوع معبد شامل معابد جواهر عقلانی مجرده و معبد ستارگان بوده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۳۶۸ق: ۲۸۷).

۴. معابد جواهر عقلانی مجرده

این معابد در منابع مختلف با تعداد و نام‌های متفاوت آمده‌است. در برخی منابع پنج معبد با نام‌های علت‌الاولی، ضرورت، عقل، سیاست و نفس و به شکل گرد معرفی شده‌اند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹). در برخی نام چهار معبد علت‌الاولی، عقل، سیاست و نفس آمده‌است (فخررازی، ۱۴۲۶ق: ج ۱۱۴/۲، البکری، ۱۹۹۲: ۱۷۳) و برخی سه معبد با نام سنبله (سلسله)، صورت و نفس را نام برده‌اند که هر سه مثلث شکل بوده‌اند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۸). مسعودی معتقد بوده است که در ساخت معابد رموزی بوده که اسرار بر پنهان کردن آن داشته‌اند مانند

هیکل معیلتیا متعلق به از که در زیر آن سرداب‌ها و در آن پیکره‌هایی از اجسام آسمانی بوده است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۹).

صابئین زمانی که سیارات متحرک در مسیرشان قرار داشتند، بنای معبد را نهاده‌اند. در رسائل اخوان به ساخت هشتاد و هفت هیکل برای نفوس مجرده اشاره شده و پنج هیکل را با نام‌های الفطوطی؛ موکل جهنم و پرتگاه، لفوسدور؛ موکل دریا، الفورطوس؛ موکل امواج دریا، الموجاس؛ موکل بادها و لمیس که اخبار جنیان به او سپرده شده، ذکر نموده‌اند. این معابد به دو قسمت برای زنان و مردان تقسیم می‌شدند که در بخش زنان در و دیوارهایش هیچ روزنی نداشته، به طوری که وقتی درب آن که در ضلع جنوبی بوده، بسته می‌شد، هیچ نوری وارد نمی‌شده است. پیشگاه معبد در ضلع شمال قرار داشته و دوازده صورت فلکی را با نام خود ترسیم کردند و تصاویر سیارات متحرک با مصالح متناسب با سیارات ساختند (اخوان الصفا جلد ۴: ۳۰۱).

دمشقی هیکل علت را دارای بنایی هلالی مانند به صورت نیم‌کره‌ای بر زمین می‌داند که چون چادری بر پا بوده است. در شرق، غرب و بالای آن چهل و هشت روزنه بوده و خورشید هر روز از یک روزنه می‌درخشیده است و از روزنه دیگر پنهان می‌شده است و نور از روزنه‌های بالای هیکل به طور مستقیم به پایین می‌تابده است. (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹) مسعودی از معبدی در ولایت چین به نام خانه هفتم بتان نام می‌برد که عامورین سوبل بن یافث بن نوح آن را برای علت اولی بنا نموده و آن را به صورت هفت‌خانه ساخته است که در هر خانه هفت پنجره قرار داده که برابر هر پنجره تصویر یکی از ستارگان هفت‌گانه از سنگ‌های منسوب به آن ستاره قرار داده‌است. در این معبد در قالب یک نورد حریر بافی، نمونه‌ایی از ارتباط اجسام سماوی در موجودات جهان و حرکاتی که نتیجه حرکت اجسام آسمانی در موجودات جهان است، وجود دارد که مسعودی آن را چنین شرح داده‌است:

درباره این معبد رازی دارند که در چین از آن سخن هست. سخنانی فریبنده از آن‌گونه که شیطان برای آنها آراسته گویند و در معبد نمونه‌هایی از ارتباط اجسام سماوی و نفوذ آن در کائنات جهان که مولد آن ست و حرکاتی که نتیجه حرکات اجسام آسمانی در موجودات این جهان نمودار می‌شود آورده‌اند و این مسائل را بوسیله مثالی که نمونه چیزهای ندیده تواند بود به عقل آنها نزدیک کرده‌اند و آن یک نورد حریر بافی است که در نتیجه حرکتی که بافنده که به نورد و رشته‌های ابریشم می‌دهد عمل بافندگی انجام می‌شود و با تکرار حرکات بافنده که بافت پارچه بسر می‌رسد تصویرهایی در آن نمودار می‌شود با

ارتباط الهیات و معماری ... (وحیده رحیمی مهر) ۱۰۱

این ترتیب که در نتیجه حرکات معینی بال پرنده نمودار می‌شود و با حرکات دیگر سر آن و با حرکات دیگر پای آن و همین طور ادامه می‌یابد تا تصویر مطابق منظور بافنده به وجود آید و این مثال و ابریشم و دستگاه بافندگی و اعمال بافنده را مثال تاثیر ستارگان علوی نهاده‌اند که همان اجسام سماوی است و با یک قسم حرکت دیگر جوجه به وجود آمده و به همین طریق همه حوادث جهان از سکون و حرکت و وجود و عدم و اتصال و انفصال و اجتماع و تفرقه و کاهش نقصان در جماد و نبات و حیوان ناطق یا غیر ناطق به ترتیبی که درباره بافت حریر گفتیم از حرکت ستارگان به وجود می‌آید و... (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۱-۵۹۲)

مسعودی در بخش دیگر از مروج الذهب به معبدی مدور روی زمینی سنگی در چین اشاره کرده که دارای هفت درب و گنبد هفت ترکی بسیار بزرگ و مرتفع بوده که گوهری بزرگتر از سر گوساله معبد را روش میکرده است و هر کس قصد برداشتن گوهر را داشته تا ده ذراعی پیش رفته از جان داده است. در معبد چاهی است که هفت ترک دارد و اگر انسانی سر در چاه کند سرنگون می‌شود. بالای چاه چیزی شنبه طوق است که روی آن با خطی قدیمی چنین نوشته شده است

این چاه به کتابخانه می‌رسد که تاریخ جهان و علوم آسمان و آنچه بوده و آنچه خواهد بود در آنست که تاریخ و هم این چاه به خزانة خواستنی‌های دنیا می‌رسد اما کسی باید برای وصول بدانجا و استفاده از آن بکوشد که به قدرت و علم و حکمت همسنگ ما باشد پس هر که توانست بدین کتابخانه راه یابد بداند که همسنگ ما بوده و هر که از وصول بدانجا عاجز ماند بداند که ما بقوت و حکمت و علم و درایت و دقت از تو پیش بوده‌ایم (مسعودی، ۱۳۶۵: ۶۰۲).

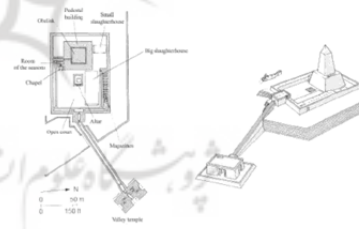
دو معبد دیگر هیکل عقل و سیاست بوده‌اند که دمشق آنها را با دیواری گرد بدون روزن توصیف کرده است. معبد دیگر هیکل ضرورت بوده است که در آن تصاویر کرات ۱۰ گانه دیده می‌شده است. دیگر معبد نفس بوده است و دمشق آن را به شکل گرد دانسته که در آن صورت انسانی با سر و دست و پاهای متعدد وجود داشته است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹).

۵. معابد ستارگان

معابدی که برای ستارگان ساخته می‌شد معابد سیارات هفتگانه شامل، زحل، مشتری، زهره، خورشید، ماه، عطارد و مریخ بود. حرانیان معتقد بودند که سیارات نمی‌توانند داخل معابد

حاضر شوند و به همین دلیل پیکره‌هایی می‌ساختند که سیارات قدرت خود را به پیکره‌ها منتقل میکردند و آنها را در هیاکل قرار می‌دادند (ابن میمون، بی‌تا، ج ۷/۳: ۵۸۶). در هر معبد مجسمه‌ای از جنس خاص بوده است چرا که صابیان می‌پنداشتند که هفت کانی شامل طلا، نقره، مس، آهن، روی، قلع و سرب، در رنگ‌ها نهادها و ویژگی خویش همانند ویژگی و خواص ستارگان هفتگانه‌اند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴). معابد آنها هر یک رنگ‌های خاص خود را داشته چرا که صابیان می‌پنداشتند؛ سیاهی از زحل، سرخی از مریخ، سبزی و زردی از خورشید، نیلی از زهره، رنگارنگی از عطارد و سفیدی از ماه است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۹۴). براین اساس معابد ویژگی‌های خاص خود را داشتند:

هیکل خورشید، چهارگوشه و طلایی رنگ بود و دیوارهای زرد و پرده‌های حریر زربافت داشت (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۲). چرا که در اعتقاد صابین، طلا پاره‌ای از خورشید و نهاد آن گرم و معتدل است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۴). در میانه معبد، روی سکویی شش پله، بتنی طلایی با گردنبندی زرین و تاج شاهی بوده است. در پایین بت روی هر پله بتی از پیکره‌های پادشاهان متوفی از فلزهای کوناگون یا چوب و سنگ قرار داشته است. یکی از هیکل‌های شمس در مصر است به نام عین الشمس است (شکل ۴) (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۲). بیرونی از معبدی در بلعبک برای خورشید نام برده است (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۶۵) در هند، چین، ایران باستان (عراق کنونی)، یمن (شکل ۵) و سوریه نیز آثاری از معابد شمس وجود دارد.



شکل ۴ پلان و سه بعدی معبد شمس مصر، ماخذ: شکل ۵: معبد شمس مارب، ماخذ:

https://madainproject.com/barran_temple <https://kenanaonline.com/users/amroyaseer/posts/440836>

معبد دیگر هیکل زحل بوده که ساختمانی شش ضلعی داشته است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۸). ساختمان معبد از جنس سنگ سیاه و پرده‌های آن سیاه بوده است. در وسط آن کرسی‌ای گرد شامل ۹ پله وجود داشته است. بر روی کرسی معبد بتی از سرب و سنگ سیاه از زحل بود (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹). چرا که به اعتقاد صابین کانی سرب بخشی از زحل است که جسمی تیره و روحی تابناک دارد و مزاجش سرد و خشک است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۹) بر

ارتباط الهیات و معماری ... (وحیده رحیمی مهر) ۱۰۳

دیواره‌های آن معبد پیکره‌های متعددی حجاری شده است. یکی پیکره از مردی سیاه مانند هندوان که ایستاده و تبری در دست دارد. پیکره دیگر ریسمانی دارد که با آن دلوی را از چاه می‌کشد، پیکره دیگر مردی است که به لوحه‌ای از دانش‌های کهن مرموز می‌نگرد، پیکره دیگر درودگر و بنا است و پیکره آخر مانند پادشاهی است که بر فیل نشسته و پیرامونش گاو و گاو میش است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹). گروهی از صابئین اعتقاد داشتند که بیت الحرام خانه زحل بوده است و سبب بقا و حرکت خانه در قرن‌های زیاد به همین دلیل است که در پناه زحل بوده است چرا که زحل ستاره دوام و بقا است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۸۸؛ اسدآبادی، ۱۹۶۵: ج ۵/۱۵۲). بیرونی نیز کعبه و بت‌های آن را متعلق به ستارگان صابئین دانسته مانند بت لات (به اسم زحل) و بت عزری (به نام زهره) (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۶۵). یکی دیگر از هیکل‌های زحل معبدی در سندان هند بوده که مردم اطراف آن حج می‌کردند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۵۹). در اسکندریه نیز هیکلی برای زحل بوده است (مقریزی، ۱۹۱۳م، ج ۱۱۱/۳-۱۱۲).

هیکل مشتری؛ معبدی سه گوش (مثلث) (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۸) با سقفی که زاویه‌هایش به تیزی و باریکی دیوارهایش است و از سنگ سبز بنا شده است. دیوارهای معبد با روغنی سبز اندود شده و پرده‌هایی از حریر سبز دارد. در وسط معبد جایگاهی با ۸ پله است که بتی از قزدر (قلع) یا سنگ که تندیس مشتری است، روی آن قرار گرفته است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۰). علت استفاده از قلع برای ساخت پیکره این است که قلع بخشی از مشتری است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۸۰).

برخی معتقداند که مسجد جامع دمشق پیشتر هیکلی برای مشتری بوده است که تا زمان ظهور حضرت موسی پابرجا بوده و در دوران حضرت موسی برای عبادت پیروان موسی استفاده می‌شده است و در همان زمان برای عبادت مسیحیان مورد استفاده قرار گرفت و در آخر به مسجد تبدیل شد. (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۰). عمری در مسالک الابصار هیکل فارس در بالای کوی اصفهان را هیکل مشتری می‌داند (العمری، ۱۹۲۵م: ج ۱/۱۶۵). در حال حاضر از معماری روم دوره باستانی پسین، بقایای یکی از معابد مشتری در لبنان وجود دارد.

هیکل دیگر؛ مریخ چهارگوشه است که با روغن‌ها و پرده‌های سرخ مزین و در آن جنگ افزارهای گوناگون آویز شده است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۱). چون صابئین آهن را پاره‌ای از مریخ می‌دانند و آهن پایدارترین کانی در آتش است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۸۱)، در میانه معبد بر هفت پله، بتی آهنی است که به یک دست شمشیر و با دست دیگرش سری با مو آویخته شده که هر دو خون آلود است، دارد. مانند این هیکل در ساحل شهر صور نیز بوده، همچنین صابیان معتقداند

که بیت المقدس پیش از آنکه سلیمان آن را بنا کند هیكلی برای مریخ بوده و بتنی به نام تموز در آن قرار داشته‌است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۱، ابن خلدان، بی تا/ ۳۵۶). عمری هیكل مندرسان هند را هیكل مریخ داند (العمری، ۱۹۲۵م: ج ۱/۱۶۵). مقریزی هیكلی در صور که قبلا جز شام بوده رابه مریخ منسوب دانسته است (مقریزی، ۱۹۱۳م، ج ۴:۹۴) نمونه برجای مانده از معابد مریخ، معبد رومی اولتور است (شکل ۶).



شکل ۶: معبد اولتور، رم، ماخذ: <https://www.worldhistory.org/article/617/temple-of-mars-ultor-rome/>

هیكل زهره (ناهید)، معبدی مثلث شکل و کشیده با دیوار و پرده‌های نیلی لاجوردی است و آلات نوازدنگی و شادمانی در آن بوده است. به واسطه منسوب دانستن مس به زهره (دمشقی، ۱۳۸۲: ۸۰)، بالای پنج پله وسط هیكل، بتنی از مس سرخ است. دمشقی معتقد است معابدی برای زهره در منبج (در سوریه) و در کوه طلیطله (در اندلس) بوده است و ابولهول در مصر پیکره زهره است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۲). جالب است که این پیکره در بخش بدنه به صورت پلکانی و شامل پنج پله است (شکل ۷).

هیكل عمران در صنعا نیز متعلق به زهره بوده که در دوران عثمان بن عفان از بین رفته است (العمری، ۱۹۲۵م: ج ۱/۱۶۵؛ مقریزی، ۱۹۱۳م، ج ۴:۹۴). مقریزی معبدی در کوه فارق در اندلس و معبد فرغانه را نیز معبد ناهید معرفی کرده‌است (مقریزی، ۱۹۱۳م، ج ۴:۹۴). از نمونه‌های بازمانده معبد ناهید می‌توان به معبد بلعبک و معبد ناهید رم نام برد (شکل ۹ و ۸).



شکل ۸: معبد زهره رم، ماخذ:

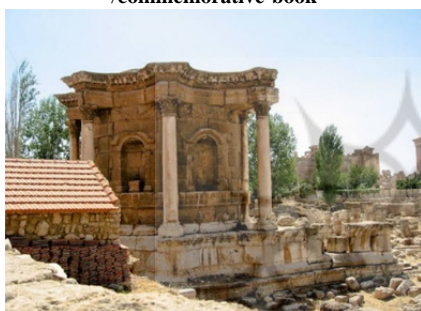
<https://www.lvmh.com/news-documents/news/fendi-marks-temple-of-venus-and-rome-restoration-with-publication-of-commemorative-book>



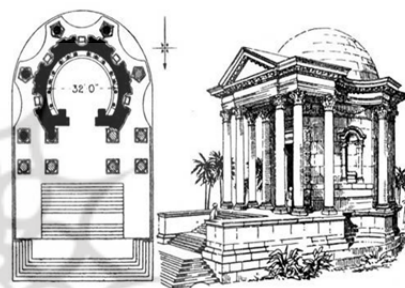
شکل ۷: پیکره ابولهور در مصر، پلکانی

بودن بدنه مجسمه (پنج پله)، ماخذ:

<https://www.britannica.com/topic/Great-Sphinx>



شکل ۹: معبد ناهید بلعیک، ماخذ: <https://vibelb.com/temple-of-venus-baalbek/>



در هیکل عطارد، دیوارهایش با پیکرهای کودکان زیبارو که در دستشان قلم‌های سبز و لوحه‌هایی مانند فرمان دارند، نقاشی شده‌است. در وسط این هیکل روی ۴ پله گرد پیکره عطارد قرار دارد. این معبد ۴ درب داشته است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۴). صابین رنگارنگی را از عطارد می‌دانستند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۹۴) و خانه‌ای در صیدا و فرغانه برای عطارد بنا کردند (دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۴). به نظر می‌رسد یکی از خانه‌های معتبر سقلا بیان که مسعودی آن را توصیف کرده شبیه به معابد عطارد است:

یک خانه در کوهی بود که فلاسفه گفته‌اند یکی از کوه‌های بزرگ جهان است و چگونگی ساختمان خانه و ترتیب سنگ‌های آن که رنگ‌های گونه‌گون داشت و درچه‌هایی که بالای آن ساخته بودند و خورشید بر آن می‌تابیدی و جواهر و آثاری که در آنجا نهاده بودند و نقش‌هایی رسم کرده بودند که نشان حوادث آینده بود (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۷).

نشان دادن حوادث آینده با رسم نقوش در کتیبه‌های موجود در اهرام و معابد از وضعیت خاص ستارگان نسبت به هم با حوادث و پیش‌آمدهای خاص روی زمین ارتباط دارد (کشوری، ۱۳۸۵: ۲۴). شکل هیکل عطارد در برخی منابع شش‌گوش محاط در چهار گوش و در برخی دیگر سه‌گوش در داخل مستطیل و سه گوش داخل مربع ذکر شده است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۹۴؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۸؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۲/ ۵۷).

هیکل ماه، معبدی دیگر است که دمشقی آن را پنج گوشه با نوکی باریک و تیز توصیف کرده (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۴) و مسعودی و شهرستانی آن را هشت گوش دانسته‌اند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۵۹۸؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۲/ ۵۷). (جدول ۱). در این معبد نوشته‌های زرین و لوحه‌های طلائی و نقره‌ای بسیار بوده‌است. در میانه معبد روی کرسی با سه پله، بتنی از نقره قرار گرفته است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۴). چرا که نقره بخشی از ماه پنداشته می‌شده است (دمشقی، ۱۳۸۲: ۷۶). بیرونی معبدی در حران را معبد ماه می‌دانسته و آن را صورت طیلسان تشبیه کرده‌است (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۶۵). نمونه دیگر معبد کوبهار بلخ (نوبهار) بوده است که بعدها به آتشکده تبدیل شد (دمشقی، ۱۳۸۲: ۶۴). مسعودی بنای معبد را بسیار بلند توصیف کرده است و اینکه بالای آن برای اتصال پرده نیزه و چوب‌ها نصب شده بوده تا نیروی باد مانع کنده شدن پرده‌ها شود. پرده‌های آویخته شده پارچه‌های حریر سبز به بلندای ۱۰۰ ذراع و کمتر بودند. او در خصوص ارتفاع معبد چنین بیان می‌کند: "گویند یک روز یاد یکی از این پارچه‌های حریر را بر بود و بینداخت در پنجاه فرسنگی و بقولی بیشتر آن‌را گرفتند و این نشان ارتفاع بنا و استواری آنست و خدا بهتر داند مساحت این بنا میل‌ها بود" (مسعودی، ۱۳۶۵: ج ۱/ ۵۸۹-۵۹۰). او به نقل از روایتگران دیگر از وجود کتیبه‌ای بر در این معبد سخن گفته‌است که نوشته‌ای فارسی با این مضمون بر آن بوده است: "که بوداسف گوید دربار پادشاهان به سه چیز نیازمند است: عقل، صبر و مال" (مسعودی، ۱۳۶۵: ج ۱/ ۵۹۰). مقریزی از معبد ماه شهر منف؛ ساخته شده از سنگ سبز نام برده که داخل آن نقاشی و نوشته‌هایی بوده‌است و مقابل در آن دو شکل مار وجود داشته‌است (مقریزی، ۱۹۱۳م، ج ۳/ ۲۸).

۶. نتیجه‌گیری

از مطالعه متون در خصوص معماری معابد صابئین می‌توان چنین پنداشت که صابئین در طراحی معابدشان شدیداً تحت تاثیر تفکرات مذهبی خود بوده‌اند. به گونه‌ای که حتی جزئیات معماری معابد آن‌ها مانند تصاویر به کار رفته در معبد و جایگاه بتان، ریشه‌های عمیق در

تفکرات آیینی آن‌ها داشته‌اند. همچنین با توجه به تزئینات داخلی معماری و توجه به اعداد، رنگ‌ها و جنس مواد به نظر می‌رسد که در ساخت معابد صابئین از علوم غریبه بهره‌گرفته شده است و در معابد از هنرهای مختلف جهت تزئین بنای معابد استفاده شده است. کتیبه، نگارگری، حجاری و تزئینات الحاقی به صورت مبلمان در داخل معابد بوده است (جدول ۱). در بین هنرهای به کار رفته در معابد، حجاری بیشترین سهم را در بین تزئینات دارد. معبد زحل بیشترین نقوش را دارد و نقوش به صورت نمادین و سمبلیک در داخل بنا نمود پیدا کرده‌اند. نقوش به کار رفته در معابد نمادی از اجرام آسمانی مانند ثور، دلو و...، کرات و تصاویر انسانی و حیوانی می‌باشند (شکل ۱۰) و از آنجایی که تصاویر انسانی و حیوانی از ابزار اولیه و اساسی طلسم‌کاران بوده‌است، احتمالاً این نقوش در قالب طلسم‌هایی در ساختمان قرار گرفته‌اند و طلسم‌ها از نظر نقش به چند صورت انسانی، جانوری و گیاهی تقسیم می‌شوند. نکته قابل تامل این است که هر چند در مناسک صابئین زنان نقش داشته‌اند اما در حجاری و نگاره‌ها، از تصاویر زنان بهره‌گرفته نشده‌است.

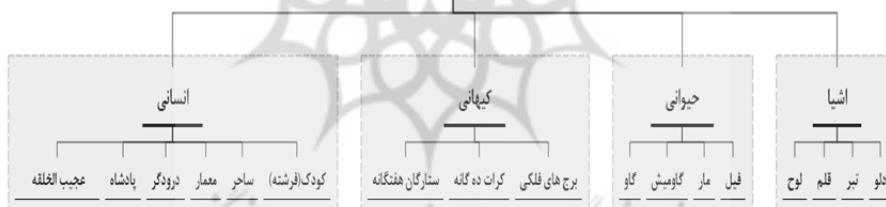
در خصوص جنبه کاربردی معابد نیز میتوان چنین برداشت کرد که علاوه بر نیایش در معابد که به روزهای خاص اختصاص داشته، معابد کارکرد آموزشی نیز داشته‌اند.

نکته‌ای که در توصیف همه معابد دیده می‌شود، جنس سنگی ساختمان است و این در حالی است که در آثار برجای مانده از معابد سنگی، بناهای آجری در بابل نیز دیده می‌شود و نشان می‌دهد که در ادوار مختلف از مصالح متفاوتی برای ساخت معابد استفاده شده است و شاید انتخاب مصالح به منطقه و مصالح موجود در آن بستگی داشته است.

نمونه‌های اولیه بناهای معابد توصیفی در حال حاضر موجود نیست و تنها از دوره‌های بعد آثاری برجای مانده است. در خصوص ساختار هندسی بنای معابد در توصیفی که گذشتگان ارائه داده‌اند اختلافاتی وجود دارد و این توصیفات با مصادیق هم در برخی موارد متفاوت است. از اختلافات در خصوص شکل هندسی معابد (جدول ۲) و مصادیق موجود می‌توان دو برداشت کرد: ۱- احتمالاً معابد داخل حران با معابد سرزمین‌های دیگر از نظر هندسی و مصالح تفاوت‌هایی داشته است و ۲- معابد به دلیل احترام و حرمت ستارگان در ادوار مختلف تبدیل به معابد برای ستارگان دیگر می‌شده‌اند و همین سبب می‌شده که شکل هندسی معابد مساله‌ای مهم در ساخت نباشد چرا که اشکال همه با عناصر اربعه مرتبط‌اند و صابئین به عناصر اربعه معتقد بودند.

هنرها	نگارگری	حجاری	کتیبه	تزیینات الحاقی به صورت مبلمان
مضامین هنرهای به کار رفته در معابد	کودکان با قلم - هایی سبز و لوچه‌هایی مانند فرمان در دست در معبد عطار نقاشی و رنگ امیزی دیوارها به رنگ ستارگان	تصاویر ستارگان هفتگانه (معبد علت اول)	نوشته‌هایی از طلا و نقره و لوحه - های طلایی و نقره‌ای در معبد ماه	بت‌هایی با شمایل ستارگان (در همه معابد) جنگ‌افزار در معبد مریخ آلات موسیقی در معبد زهره پرده‌هایی به رنگ ستارگان گوهرها
		کرات دهگانه (معبد ضرورت) انسانی با سر و دست و پاها متعدد (معبد نفس) مردی سیاه چهره تبر در دست (معبد زحل) مردی که با رسیمان دلو از چاه می - کشد (معبد زحل) دروگر و بنا گاو میش (معبد زحل) پادشاهی بر فیل نشسته و در اطرافش گاو و گاو میش (معبد زحل) مردی که به لوحه‌ای از دانش‌های کهن مرموز می‌نگرد (معبد زحل) سار (در ورودی معبد ماه)		

تصاویر در معابد



شکل ۱۰: مضمون تصاویر در حجاری و نقاشی معابد

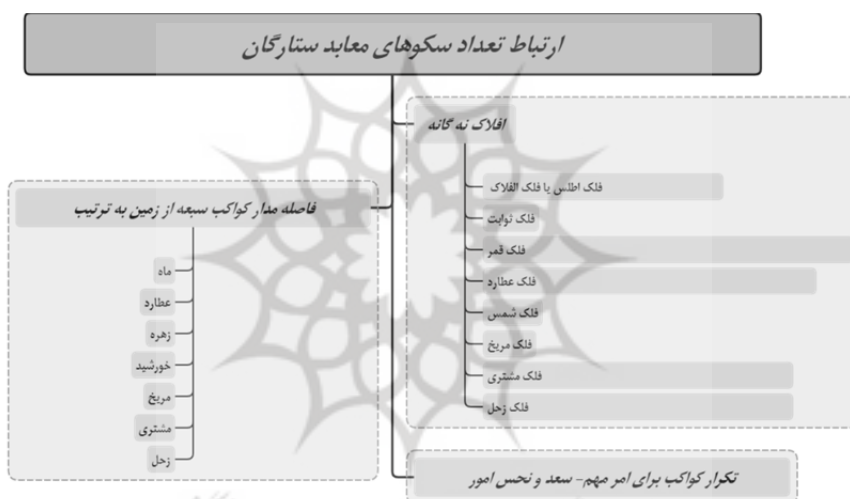
جدول ۲: شکل هندسی معابد در متون مختلف

نویسنده	علائق نقوش	عقل	سیاسی	صورت	نقش	رنگ	نقش	نوع	مختار	زده	عقار	ماه
مسعودی	-	-	مثلث	مثلث	مثلث	شش ضلعی	مثلث	چهار گوشه	چهار گوشه	سه گوشه داخل چهار گوشه	سه گوشه	هشت گوشه
شهرستانی	دایره				شش ضلعی	مثلث	چهار گوشه	چهار گوشه	سه گوشه داخل چهار گوشه	سه گوشه داخل و داخلش	مستطیل و داخلش	هشت گوشه
دشقی	دایره در پلان (نیم کره در حجم)				شش ضلعی	مثلث	چهار گوشه	چهار گوشه	سه گوشه داخل چهار گوشه	سه گوشه	شش گوش وسط مربع	پنج گوش

به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که در معماری معابد حرانیان، چند فاکتور قابل تامل در ارتباط با آیین آن‌ها نقش داشته‌است: کاربرد علوم غریبه مانند همیما، سیمیا، (معرفت کواکب، علم حروف و...، استفاده از تصاویر برای ایجاد فضای رمزآلود و احتمالاً طلسم)، بهره‌گیری از روزها و گاهی نداشتن روزن برای ایجاد حالات عرفانی در آیین خود (باور به تاریکی و نور به عنوان مبدا اشیاء) و توجه به اعداد روزن‌ها در معابد ستارگان و نفوس مجرد (شاید ۴۸ روزن به واسطه جمع عددی ابجد کبیر کلمه کوکب بوده است و شاید اشاره به ۴۸ کوکب به جز خورشید که خود از روزنه‌ها می‌تابد)، توجه به کیهان‌شناسی مواد و مصالح در تهیه بت منسوب به ستاره و رنگ دیوارها، توجه به شکل هندسی معابد به دلیل تاثیر تصاویر بر انسان و ارتباط آنها با عناصر اربعه، وجود سکوه‌های پلکانی در معابد ستارگان با اعداد مشخص از سه تا نه (جدول ۳)؛ به عنوان جایگاهی برای بت که این موضوع نیز احتمالاً با همان اعتقاد و باور صابئین به افلاک نه‌گانه، فاصله سیارات از مدار زمین و تکرار کواکب در سعد و نحس بودن امور مهم، مرتبط بوده‌است (شکل ۱۱). چرا که ترتیب سکوها با ترتیب تکرار کواکب و فاصله ستاره‌ها از زمین همخوانی دارد.

نکته قابل تامل‌تر در آثار قدما، اشاره به تبدیل این هیاکل به مکان‌های عبادی سایر ادیان الهی است که نشان از اهمیت علم نجوم در ادیان و ریشه در تقدس امر پرستش در نهاد ادمی دارد.

به طور کلی بررسی این نمونه موردی، بارزتر می‌سازد که در معماری دینی که تجلیگاه ارزشها است، علاوه بر اینکه دین به هنر جهت می‌دهد، هنر نیز بر تاثیر دین می‌افزاید. چنانچه در معماری دینی برای بیان اعتقادات و باورهای ادیان از سبک‌های و عناصر فضایی مختلف بهره گرفته می‌شود تا ساختمان‌هایی منحصر به فرد برای ادیان در هر دوره تاریخی ایجاد گردد و در این میان، عنصری چون نماد و نشانه در قالب اثری هنری به عنوان پلی برای انتقال و القای عقاید و مفاهیم اعتقادی به کار گرفته می‌شود و این یعنی رابطه دو سوبه دین و معماری.



شکل ۱۱: ارتباط تعداد سکو کرسی وسط معبد باورهای صابئین

جدول ۳: ویژگی معابد ستارگان

نام معبد	رنگ دیوار	جنس پیکره	پرده	تعداد پله کرسی (جایگاه بت)
زحل	سنگ سیاه	سرب یا سنگ سیاه یا برنج سیاه	سیاه رنگ با تزئین مردی سیاه چهره مانند هندوان	نه
مشتری	رنگ روغنی سبز	قلع	حریر سبز	هشت
مریخ	سرخ	آهن	قرمز	هفت
خورشید	روغن طلائی	طلا	حریر زر بافت	شش

زهره	نیلی لاجوردی	مس قرمز	نیلی لاجوردی	پنج
عطارد	رنگارنگ	سفال چینی میان تهی با جیوه فراوان	احتمالا رنگین	چهار
ماه	سفید	نقره	حریر سبز	سه

پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه افلاکی که ارسطو در نظر گرفته است به ۵۵ فلک می‌رسد که اگر این حرکات را برای ماه و خورشید در نظر بگیریم تعداد افلاک ۴۷ است (ارسطو، ۱۳۶۶: ۴۰۵؛ حداد عادل، ۱۳۶۱، صص ۴۸۱-۴۸۴).

۲. موقعیت کنونی در جنوب کشور ترکیه در ولایت ارفا (اورفه)

۳. در بیان سعد و نحس بودن کواکب آمده است که هر سیاره برای امری مهم در وقت معین خوانده و نوشته می‌شود و تعدادی که از این کواکب باید خوانده شود از یک تا هفت متفاوت است. تعداد برای سیارات بیشترین تا کمترین تعداد به شرح زیر است: زحل، مشتری، مریخ، شمس، زهره، عطارد، قمر (ارسلان کشوری ۱۳۸۵: ۲۸ و ۳۰)

کتاب‌نامه

- ابن تیمیه حرانی، ابوالعباس احمد، (۱۳۶۸ ق)، الرد علی المنطقیین، بمبئی: شرف الدین الکتبی.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۱۲ ق)، مجموع الفتاوی، محقق عبدالکریم الغانم، الرياض: دار المنار للنشر و التوارخ.
- ابن حزم ظاهری، علی بن احمد، (۱۴۱۶ ق)، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت: دار الجیل.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۱)، المسالک و الممالک، تهران: موسسه فرهنگی حنفا.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، تاریخ ابن خلدون، الطبعة الرابعة، قم: دارالفکر
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، (بی‌تا)، مقدمه ابن خلدون، الطبعة الرابعة، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۷۹ ش)، الاشارات و التنبیها، قم: دفتر نشر کتاب.
- ابن صاعد الاندلسی، قاضی ابی القاسم، (۱۹۱۲ م)، طبقات الامم، بیروت.
- ابن عبری، غریغوریس ملطی، (۱۹۹۲ م)، تاریخ مختصر الدول، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالشرق.
- ابن میمون، موسی، (بی‌تا) دلالة الحائرین، به تصحیح حسین آتای، آنکارا: مکتبه الثقافه الدینیة.

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (بی تا)، الفهرست، الطبعة ثانية، طهران
ابن وردی، عمر بن مظفر، تاریخ ابن وردی، (۱۹۶۹م)، الطبعة الثانية، نجف: المطبعة الحیدریه.
اخوان الصفا، (۱۴۰۵)، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا، ج ۴، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
ارسطو، (۱۳۶۶ش)، مابعدالطبیعه (متافیزیک)، ترجمه شرفالدین خراسانی، تهران: گفتار.
اسدآبادی، قاضی عبدالجبار، (۱۹۶۵م)، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، قاهره: الموسسه المصریه
العامه للتالیف و الانباء و انشر
اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، حکمت و هنر معنوی، چاپ اول، تهران: امیر کبیر.
افشاری صدر، رضا، چلونگر. محمدعلی، پیرمردیان. مصطفی، (۱۳۹۹)، بررسی زمینه‌های فعالیت
نجومی صابنان و نقش آنها در علم نجوم در سده سه و چهار هجری، مطالعات تاریخی جهان
اسلام، ۸ (۱۵): ۱۱۷-۱۳۶. doi: 10.22034/mte.2020.4899
البکری، ابن عبید، (۱۹۹۲م)، المسالک و الممالک، قاهره: دار العربیه للکتاب
الحمید، محمد عبدالحمید، (۱۹۹۸م)، صابئة حران و اخوان الصفا، دمشق: الأهالی للطباعة و النشر
والتوزیع.
الحموی الرومی، ابی عبدالله، (۱۹۷۹م)، معجم البلدان، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
الحمیری، ابوسعید، (۱۹۴۸م)، الحورالعین، کمال مصطفی، مصر و بغداد: مکتبه الخانجی، مکتبه المثنی.
العمری، ابن فضل الله، (۱۹۲۵م)، مسالک الابصار، تحقیق احمد زکی باشا، قاهره: الطبعة الاولى.
الکک، دیکتور، (۱۳۴۲)، تأثیر صابئین حران در تمدن اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
تهران، ۱۰ (۳): ۳۵۷-۳۶۷.
المقریزی، احمد بن علی، (۱۹۱۳م)، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الاثر، ج ۳ و ۴، قاهره: بی جا.
الهامی، داوود، (۱۳۷۹ش)، تحقیقی درباره صابئین، تهران: مکتب اسلام.
الباده، میرچا، (۱۳۹۲)، نمادپردازی امرقدسی و هنرها، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نیلوفر.
بروسوی، محمد بن علی، (۱۳۹۴)، اوضح المسالک الی معرفه البلدان و الممالک، تهران: نگارستان
اندیشه
بلخاری قهی، حسن، (۱۳۸۴)، جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس (اسلامی)،
هنرهای زیبا، ۲۴: ۵-۱۴
بلخاری قهی، حسن، (۱۳۸۸)، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی (دفتر دوم کیمیای خیال)، تهران:
سوره مهر.
بن عبدالله، سلمان، (۱۴۰۷ق)، منهج المسعودی فی کتابه التاريخ، ریاض

ارتباط الهیات و معماری ... (وحیده رحیمی مهر) ۱۱۳

بورکهارت، تیتوس، (۱۳۶۹)، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش
بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، (۱۳۵۲ش)، الاثار الباقیه عن قرون الخالیه، ترجمه اکبر دانا سرشت،
تهران: ابن سینا.

بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا، مندگاری، کاظم، مروتی شریف آباد، روح الله، مهر علی، اباذر، (۱۴۰۰)،
جهت‌گیری الهی فرهنگی در تدریس رشته معماری، قم: دفتر نشر معارف.

بی نا، (۱۳۶۲)، حدودالعالم من مشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری

جعفری، یعقوب، (۱۳۷۴)، پژوهشی درباره صابئین، مجله کلام اسلامی، ۱۴: ۲۴-۳۱

حاجی قاسمی، کامبیز، (۱۳۹۲)، جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درسگفتارها)،
به اهتمام هادی ربیعی، تهران: متن.

حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۶۱ش)، نجوم در فلسفه ارسطو، یادنامه علامه امینی، به کوشش جعفر شهیدی
و محمدرضا حکیمی، تهران.

خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف، (۱۳۶۲)، مفتاح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، چاپ دوم،
تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب، (۱۳۸۲)، نخبه الدهر وعجائب البر والبحر، تهران: انتشارات
اساطیر

دمیری، محمد بن موسی بن عیسی، (۴۲۴ق)، حیاة الحیوان الکبری، الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب
العلمیه

ذوالفقارزاده، حسن، (۱۳۹۹)، سیری بر فرآیند تسری اعتقادات در معماری، پژوهش‌های علم و
دین، ۱۱(۲): ۴۷-۸۲. doi: 10.30465/SRS.2020.5608

رستمی، حیدر علی، (۱۳۹۸ش)، پژوهشی در آیین صابئین با تکیه بر منابع اسلامی، تهران: سمت

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، دنباله جستجو در تصوف ایران، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، در قلمرو وجدان، تهران، علمی

زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر

زندیه، مهدی، (۱۳۹۸)، تأثیر دین بر گسترش معماری در ایران و جهان، پژوهش‌های علم و دین،

doi: 10.30465/srs.2019.4755.۱۸۷-۲۰۳.۱۱(۱)

سبزواری، سید علی الاعلی، (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام، الطبعة الرابعة، قم: مکتبه آیت الله سبزواری

شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم، (۱۳۶۴)، الملل و النحل، الطبعة الثالثة، قم: منشورات الرضی

شیرالی، عادل، (۱۳۹۲)، حرانیان، تهران، بصیرت.

شیرالی، عادل، (۱۳۹۴)، صابئین، تهران، بصیرت.

طباطبایی، فضل بن حسین، (۱۴۰۳ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی

غریبال، محمد شفیق، (۱۹۶۵م)، الموسوعة العربية المیسرة، قاهره: دارالقلم.

فخر رازی، محمد بن عمر، (بی تا)، التفسیر الکبیر، طهران: دارالکتب العمیه

قفطی، علی بن یوسف (۱۳۴۷ش)، تاریخ الحکماء، به کوشش: بهین درائی، تهران: دانشگاه تهران.

قلقشندی، احمد بن علی، (۱۳۸۳ق)، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومی

کشوری، ارسلان، (ش ۱۳۸۵)، کله سر دریاب علوم غریبه، تهران: جهانتاب

لسترنج، گای، (۱۳۶۴ش) سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

مجیدزاده، یوسف، (۱۳۹۲ش)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

مسعودی، علی بن حسین بن علی، (۱۳۶۵)، التنبیه و الاشراف، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

مسعودی، علی بن حسین بن علی، (۱۳۸۵ق)، اخبار الزمان، الطبعة الثانية، بیروت: دارالاندلس.

مسعودی، علی بن حسین بن علی، (۱۳۹۰)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن محمد، (۱۳۹۸ش)، نزهة القلوب، تهران: طهوری.

معماریان، غلامحسین، (۱۳۹۲)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش.

مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۸۹۹م)، البداء و التاریخ، پاریس: کلمان هواری

ندیمی، هادی، کلک دوست، (۱۳۸۶)، ده مقاله در معماری و هنر، اصفهان: سازمان رفاهی و تفریحی شهرداری اصفهان

یل درمیان، ماجد، (۱۳۸۲)، طراحی مرکز فرهنگی گفتگوی ادیان ابراهیمی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان

Gadd, C. J. (2013), The Harran Inscriptions of Nabonidus, *Anatolian Studies*, Volume 8: 35-92.
DOI: <https://doi.org/10.2307/3642415>

Lewy, H., (1962), Points of Comparison between Zoroastrianism and the Moon-Cult of Harrân, A Locusts's Leg, *Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London.

Postgate, J. N., (1975), «Harrân», *Reallexikon der Assyriologie*, Berlin / New York, vol.IV; pp: 122-125.

Smith, S., (1924), *Babylonian Historical Texts*, London.